



از نگاهی دیگر : مفهوم شناسی و مصداق یابی اهل بیت علیهم السلام

پدیدآورده (ها) : زینلی، غلامحسین

فقه و اصول :: میقات حج :: بهار 1384 - شماره 51

از 195 تا 212

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/926838>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان

تاریخ دانلود : 06/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

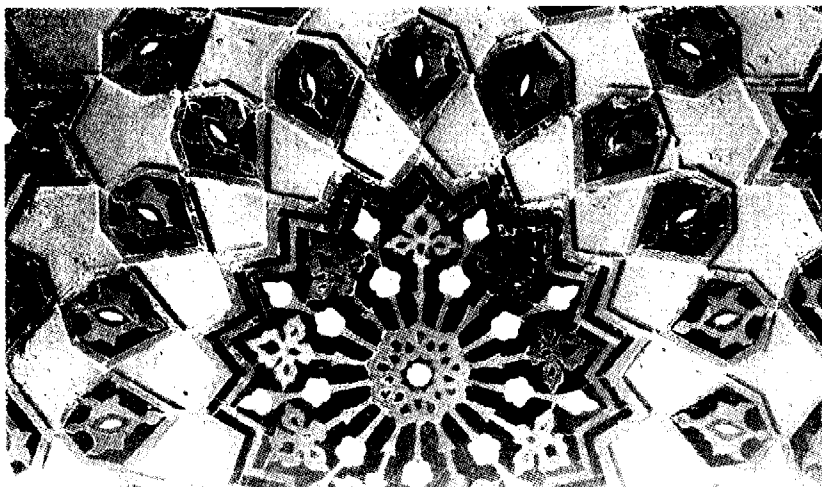


پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

از نگاه دیگر





مفهوم‌شناسی و مصداق‌یابی اهل بیت علیهم‌السلام

غلامحسین زینلی

ضرورت شناخت اهل بیت

شاید برخی چنین تصور کنند که گفتگو در باره «اهل بیت» و تلاش در جهت شناخت آنان، مسأله‌ای است متعلق به گذشته و در عصر حاضر، اثری بر آن مترتب نیست. بنابراین، چه ضرورتی دارد که درباره آن به بحث و گفتگو بپردازیم؟

اما اگر به کلام خداوند و سنت نبی گرامی صلی الله علیه و آله مراجعه و در آن بیندیشیم، به وضوح در خواهیم یافت که مطالعه و پژوهش در باره این مسأله و شناخت مفهوم و مصداق اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای امت اسلامی، امری کاملاً حیاتی است.

خداوند در قرآن کریم، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را از هر گونه آلودگی پاک و پاکیزه دانسته^۱ و محبت و دوستی آنان را به عنوان مُزد رسالت نبی گرامی صلی الله علیه و آله، بر همه مسلمانان فرض دانسته است.^۲

رسول گرامی نیز که سخن ایشان تأیید شده با کلام خداوند می‌باشد،^۳ در حدیث متواتر «ثقلین» با بیان جمله «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عَرَّتِي أَهْلَ بَيْتِي...»^۴ اهل بیت را همتای کتاب خدا به شمار آورده و استمرار هدایت امت اسلامی را پس از خود، تنها در پرتو تمسک به قرآن و عترت میسر دانسته است. و اعلام داشته که این دو، تا قیام قیامت با هم بوده و هیچگاه از یکدیگر جدا نخواهند شد.

«وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ...»^۵

و در حدیث «سفینه» اهل بیت علیهم‌السلام را به کشتی نوح تشبیه کرده و نجات امت اسلامی را تنها در پرتو تمسک به کشتی هدایت آنان، میسر دانسته است.^۶

آری، تأمل در کلام خداوند و سخنان رسول گرامی، و نقش اهل بیت در هدایت و وحدت امت اسلامی، ضرورت شناخت مصداق اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بیش از پیش روشن می‌سازد. و هر فرد مسلمان متعهدی را واهی دارد تا به درستی، این اسوه‌های طهارت و پاکی را بشناسد و آنان را الگوی زندگی خود قرار دهد، و در جهان پرحادثه کنونی، بر کشتی نجات اهل بیت سوار شده و خود را به ساحل نجات رساند. این همان حقیقتی است که پیشوای مذهب شافعی نیز در سروده خود به آن اشاره دارد. وی می‌گوید:

وَلَمَّا رَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ ذَهَبَ بِهِم مَذَاهِبُهُمْ فِي أْبْحَرِ الْغَيِّْ وَالْجَهْلِ
رَكِبْتُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ فِي سَفْنِ النِّجَا وَهُمْ أَهْلُ بَيْتِ الْمُصْطَفَى خَاتَمِ الرُّسُلِ^۷

«هنگامی که دیدم مذاهب گوناگون، مردم را به دریاهای جهل و گمراهی سوق داده است، با نام خدا بر کشتی‌های نجات اهل بیت مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خاتم پیامبران، سوار شدم.»

پس چنان نیست که این مسأله، متعلق به روزگاران گذشته باشد، بلکه همانگونه که تدبیر در قرآن و پیروی از کتاب الهی، مسأله‌ای است نو و مورد نیاز؛ شناخت و پیروی از همتای قرآن، یعنی اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز مسأله‌ای است تازه و مورد نیاز.

مراد از اهل بیت علیهم‌السلام

مقصود از اهل بیت در این نوشتار، معنای لغوی آن، که شامل همه بستگان و همسر و فرزندان می‌شود نیست. بلکه مقصود، اصطلاحی است که قرآن کریم آن را در آیه تطهیر در مورد اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به کار برده است.

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».

اقوال مفسران در مصداق اهل بیت علیهم‌السلام

مسلمانان به پیروی از قرآن کریم و سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کلمه اهل بیت را در اهل بیت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استعمال کرده‌اند و این مسأله به گونه‌ای شهرت یافته که اراده معنای دیگری از این کلمه، محتاج

قرینه است.^۸ با این وجود، شماری از مفسران اهل سنت در این مسأله تشکیک نموده و ضمن پذیرفتن اهل بیت پیامبر (علی، فاطمه، حسن و حسین) به عنوان مصادیق آیه، اشخاص دیگری را نیز جزو مصادیق اهل بیت دانسته‌اند. اهم اقوال آنان چنین است:

۱. گروهی، به جز علی، فاطمه، حسن و حسین، همسران پیامبر را نیز جزو اهل بیت دانسته‌اند.^۹

۲. برخی مصادیق اهل بیت را خود پیامبر و همسران حضرت دانسته‌اند.^{۱۰}

۳. برخی معتقدند منظور از اهل بیت، تنها زنان پیامبرند. این قول را عکرمه به سعید بن جبیر و ابن عباس نسبت داده است.^{۱۱}

۴. برخی معتقدند مصادیق اهل بیت همه بنی‌هاشم‌اند، یعنی آل علی، و آل عقیل، و آل جعفر، و آل عباس. این قول از زید بن ارقم نقل شده است.^{۱۲}

۵. عقیده بسیاری از مفسران بر این است که منظور از اهل بیت، پیامبر خدا، علی، فاطمه، حسن و حسین هستند.

این قول را شماری از همسران پیامبر خدا مانند ام‌سلمه، عایشه و زینب و جمع زیادی از صحابه مانند: سعد بن ابی وقاص، ابوسعید خدری، وائل بن اسقع، ابن عباس، علی بن ابی طالب، حسن بن علی، جعفر بن ابی طالب، جابر بن عبدالله، عمر بن ابی سلمه، براء بن عاذب، و ثوبان، غلام پیامبر خدا، نقل کرده‌اند.^{۱۳}

در پاره‌ای از روایات، افزون بر افراد یادشده، در ذیل قول پنجم، از سایر امامان دوازده‌گانه هم نام برده‌اند.^{۱۴}

شیعه امامیه، بر این که آیه تطهیر همه امامان دوازده‌گانه را شامل می‌شود، اتفاق نظر دارند.^{۱۵}

اکنون باید دید آیه شریفه چه کسانی را شامل می‌شود، و چه کسانی از دایره شمول آیه خارج‌اند.

ما برای بررسی این مسأله، از قراین درونی و برونی آیه مورد نظر، مدد می‌جوییم.

قراین درونی

۱. کسانی که همسران پیامبر خدا را مشمول آیه می‌دانند، به این نکته تمسک کرده‌اند که



جملات پیش و پس از آیه تطهیر، همگی درباره همسران پیامبر ﷺ است. اما باید توجه داشت که مسأله یادشده نه تنها دلالتی بر شمول آیه نسبت به زنان پیامبر ﷺ ندارد، بلکه همین مسأله، خود قرینه روشنی است بر این که مخاطب آیه تطهیر، کسانی غیر از همسران پیامبرند؛ چرا که در جملات پیشین و پسین آیه، تمامی ضمایر به صورت مؤنث آمده (کتبتن، امتعکن، اسرحکن، تردن، لستن، اتقیتن، فی بیوتکن).

در حالی که در آیه تطهیر، جهت خطاب تغییر کرده و ضمایر آن، به صورت مذکر «عَنکُمْ»، «یُطَهَّرُکُمْ» آمده است و این به وضوح دلالت دارد که مصداق آیه کسانی غیر از همسران پیامبرند.

۲. لسان آیه تطهیر، لسان مدح و ستایش و حاکی از مقام بلند اهل بیت است؛ در حالی که لسان آیه‌های مربوط به همسران پیامبر ﷺ، لسان پرهیز دادن و ترساندن است. به همین دلیل، هرگز نمی‌توان هر دو لسان را مربوط به یک گروه دانست.

۳. مفاد آیه تطهیر، اعطای نوعی مصونیت از گناه و لغزش و عصمت دارندگان مقام تطهیر است؛ در حالی که همسران پیامبر ﷺ به اتفاق مسلمانان، مصون و معصوم از خطا و گناه نبوده‌اند.

۴. منظور از «اراده» در آیه شریفه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ...» اراده تکوینی است. حال با توجه به این نکته، می‌توان پرسید: آیا مراد از زدودن پلیدی از اهل بیت ﷺ در آیه شریفه، دور ساختن و دفع پلیدی است؛ یعنی این که آنها از آغاز هیچ‌گونه پلیدی نداشته‌اند. یا برداشتن و رفع آن است؟ یعنی آلودگی بوده اما خداوند آن را برطرف کرده است.

اگر فرض نخست منظور باشد، در این صورت تمام زنان پیامبر ﷺ یا دست‌کم بیشتر آنان، پیش از اسلام در پلیدی (شرک و کفر) بوده‌اند و در نتیجه از حکم آیه خارج‌اند.

و اگر فرض دوم منظور باشد، (برداشتن پلیدی) چاره‌ای نداریم جز آن که پیامبر خدا ﷺ را از حکم آیه خارج بدانیم؛ زیرا در زندگی پیامبر هیچ‌گونه پلیدی وجود نداشته است. در حالی که پیامبر خدا به طور قطع در حکم آیه داخل است. پس فرض نخست ثابت می‌شود و فرض دوم منتفی می‌گردد و زنان پیامبر به طور قطع از حکم آیه خارج می‌گردند.^{۱۶}

۵. مقصود از اهل بیت در آیه تطهیر، اهل بیت پیامبرند که منحصرأ ساکن یک خانه بوده‌اند؛ یعنی فاطمه زهرا، امیرالمؤمنین و دو فرزندشان حسن و حسین ﷺ. و این که برخی

گفته‌اند مقصود از آیه، همسران پیامبر خدا ﷺ هستند، درست نیست، چون خانه‌های همسران آن حضرت یک خانه نیست، بلکه خانه‌های متعدد بوده است که اینان در آن ساکن بوده‌اند. دلیل این مطلب، سخن خداوند در صدر آیه تطهیر است که می‌گوید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ»^{۱۷} که خطاب متوجه کسانی است که در خانه‌های پیامبر ﷺ می‌زیسته‌اند.

قرائن برونی:

افزون بر قرائن درونی آیه، قرائن برونی دیگری نیز وجود دارد که همسران پیامبر ﷺ را از شمول آیه تطهیر خارج می‌سازد.

از جمله:

۱. بدون شک در آیه تطهیر، از سوی خداوند مقام بزرگی برای اهل بیت ثابت و به همه مسلمانان اعلام شده است. حال چگونه می‌توان تصور کرد که همسران پیامبر ﷺ از سوی خداوند به چنین مقام ارجمندی نایل آمده باشند، اما خود آنان از وجود چنین فضیلتی برای خود غافل باشند؛ چنان که حتی یک نفر از آنان، برای یک بار هم که شده، چنین فضیلتی را برای خود یادآور نشده و دیگران را بدان توجه نداده باشد؟!

نه تنها تاریخ از آنان چنین چیزی نقل نکرده، بلکه از قول خود آنان نقل کرده که گفته‌اند: آیه تطهیر در حق غیر ایشان (یعنی خمسة طيبة) نازل شده است.^{۱۸}

۲. محدثان شیعه و سنی، در شأن نزول آیه تطهیر، روایات متواتری از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند که بر اساس آن روایات، مصادیق اهل بیت عبارت‌اند از: پیامبر خدا ﷺ، علی ﷺ، فاطمه ﷺ، حسن و حسین ﷺ.

به نظر می‌رسد بهترین راه برای تعیین دقیق مصادیق اهل بیت، مراجعه به روایاتی است که از قول خود پیامبر ﷺ، به تفسیر آیه شریفه می‌پردازد.

آری، چگونه می‌توان باور کرد که پیامبر خدا ﷺ در حدیث ثقلین و سفینه و امان و... تمسک به اهل بیت ﷺ را مایه سعادت دنیا و آخرت امت اعلام کند، اما با این وجود، اهل بیت خود را معرفی نکنند و مصادیق اهل بیت را در هاله‌ای از ابهام باقی گذارد؟

حقیقت آن است که پیامبر ﷺ در مواضع متعددی، آن هم در اجتماع باشکوه صحابه، اهل بیت را معرفی نموده است تا هیچ عذر و بهانه‌ای برای هیچ‌کس باقی نماند.

پیامبر خدا ﷺ به عنوان یگانه کسی که بی هیچ اختلاف، صلاحیت تفسیر قرآن، و بیان معانی پنهان آن را داراست،^{۱۹} و به تصریح قرآن کریم، هیچ گاه از خود سخنی نمی گوید و گفتارش برخاسته از وحی الهی است،^{۲۰} در تعیین مراد از آیه تطهیر و بیان مصادیق آن، دو شیوه مؤثر برگزیده است:

۱. شیوه بیان گفتاری. ۲. شیوه بیان رفتاری.

مصداق آیه تطهیر در بیان گفتاری پیامبر ﷺ:

طبق روایات فراوانی که از طریق شیعه و سنی به دست ما رسیده، پیامبر گرامی ﷺ پس از نزول آیه تطهیر، پارچه ای به دست گرفت و علی، فاطمه، حسن و حسین را به زیر آن بُرد و سپس فرمود:

«اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ عِزَّتِي فَأَذِيبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً»^{۲۱}.

«پروردگارا! اینان اهل بیت من و اهل و خاندان من هستند، پس هرگونه آلودگی را از آنان

دور گردان و به طور کامل پاکشان نما.»

تعداد این روایات که نزد شیعه و سنی به «حدیث کساء» شهرت یافته، به ده ها مورد بالغ می شود و جمع کثیری از صحابه پیامبر خدا آن را نقل کرده اند.

ام سلمه همسر پیامبر خدا ﷺ که طبق نقل بیشتر روایات، این جریان در خانه او روی داده، از پیامبر تقاضا می کند تا اجازه دهند او نیز به جمع اصحاب کساء بیوندد و از این فیض بزرگ بهره مند شود، اما پیامبر خدا از پیوستن او به جمع اصحاب کساء مانع شده و با تعبیر محبت آمیزی چون: «يَرْحَمُكَ اللَّهُ، أَنْتِ عَلَى مَكَانِكَ وَأَنْتِ عَلَى خَيْرٍ وَإِلَى خَيْرٍ، وَإِنَّكَ مِنْ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ وَ...»^{۲۲} «رحمت خدا بر تو باد، تو همواره به راه خیر و صلاح بوده ای و... از او دلجویی می کند. از همسران پیامبر به جز ام سلمه، عایشه^{۲۳} و زینب^{۲۴} نیز عین ماجرای فوق را نقل کرده و تصریح کرده اند که آیه تطهیر در مورد خمسة طيبة نازل شده است.

بجز همسران پیامبر خدا ﷺ شمار زیادی از بزرگان صحابه^{۲۵} نیز در احادیثی که از آنان نقل شده، تصریح کرده اند که آیه تطهیر در مورد خمسة طيبة، یعنی پیامبر ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین نازل شده است.

تعیین مصداق آیه تطهیر در بیان رفتاری پیامبر ﷺ:

روش دیگری که پیامبر برای تعیین مراد از آیه تطهیر، و بیان مصادیق آن برگزیدند، این

بود که با به کار بردن شیوه‌ای ابتکاری و فراموش‌نشدنی، در مدت زمانی نسبتاً طولانی، به معرفی اهل بیت پرداختند. بدینسان که سپیده‌دم، هنگامی که برای اقامه نماز صبح از خانه خارج می‌شدند، به در خانه فاطمه علیها السلام رفته، می‌فرمود:

«السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَهْلَ الْبَيْتِ» «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» «الصَّلَاةُ رَحِمَكُمُ اللَّهُ».

«درود و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت باد.» خداوند اراده نمود تا هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت دور گرداند و به طور کامل پاکتان سازد. [وقت] نماز [است، مهیا شوید] رحمت خدا بر شما باد.»



مدت این روش رفتاری پیامبر را «ابوسعید خدری»^{۲۶} چهل روز، «انس بن مالک»^{۲۷} شش ماه، «ابو حمراء»^{۲۸} شش و در نقلی هفت یا هشت ماه و «ابن عباس»^{۲۹} نه ماه، اعلام داشته‌اند.

به نظر می‌رسد علت اختلاف در مدت زمان مذکور، این بوده که هریک از راویان ماجرا، تنها مدتی را که خود شاهد آن بوده، روایت کرده است. بنابراین، نقل‌های یادشده با هم ناسازگار نیست.

بدان‌گونه که ذکر شد پیامبر خدا از همان آغاز نزول آیه تطهیر، مصداق اهل بیت را معین نموده و راه را بر هر گونه تفسیر ناروا در مورد اهل بیت بسته‌اند. این اقدام پیامبر موجب شده است تا جز معدودی از کسانی که نظراتشان وزنی ندارد، کسی در اختصاص این آیه به پنج تن تردید نکند.

شمول آیه تطهیر نسبت به سایر امامان شیعه:

چنان‌که پیشتر گذشت، واژه «اهل بیت» در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله در میان امت اسلامی به طور ویژه، برای خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله به کار رفته، چنان‌که هرگاه این واژه بدون پسوند به کار

می‌رفته، همگان از آن، مصداقی جز خاندان پیامبر اسلام نمی‌فهمیده‌اند. و عنوان اهل‌بیت معرّف خاندان پاک پیامبر بوده است.^{۳۰}

بدون شک، این مسأله به تبعیت از خود پیامبر خدا ﷺ و به جهت تأکید فراوانی بود که آن حضرت دربارهٔ افرادی خاص، با عنوان یادشده به عمل آورده بود. در واقع مصداق «اهل بیت» همان کسانی بودند که توسط پیامبر خدا ﷺ با عناوین دیگری همچون، عترت، اصحاب کسا، آل محمد ﷺ و... به امت اسلامی معرفی گردیدند.

اکنون می‌خواهیم بگویم، مصداق اهل‌بیت پیامبر، بیش از افراد یادشده می‌باشند و اطلاق واژه «اهل‌البیت» بر افراد یادشده، از باب حصر نیست، به گونه‌ای که واژه «اهل‌بیت» به افراد مذکور اختصاص داشته باشد و سایر افراد اهل‌بیت را شامل نشود، بلکه جریان حدیث کسا، از قبیل تطبیق آیه تطهیر بر موجودین اهل‌بیت بوده است، نه حصر در آنها؛ وگرنه، به عقیده دانشمندان امامیه و جمع کثیری از دانشمندان اهل سنت، همهٔ امامان دوازده‌گانه، جزو اهل‌بیت پیامبر خدا محسوب می‌شوند. این مطلب از روایاتی که در معرفی اهل‌بیت نقل شده، به خوبی استفاده می‌شود.

به عنوان مثال: طبق برخی از روایات، پیامبر ﷺ در شب ازدواج علی و فاطمه، آیه تطهیر را تلاوت کرد و پس از ازدواج آنان تا چهل روز پیوسته به در خانهٔ آنها آمده و می‌فرمود:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ الصَّلَاةُ رَحِمَكُمْ اللَّهُ» إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ أَنَا سَلَمٌ لِمَنْ سَالَمْتُمْ».^{۳۱}

نیز شیعه و سنی پذیرفته‌اند که امام مهدی ﷺ که در آخر الزمان قیام خواهد کرد و با برچیدن بساط ظلم، حکومتی جهانی، بر اساس عدل و داد بنا خواهد کرد، جزو اهل‌بیت پیامبر خدا است.

نمونه‌هایی از احادیث پیامبر خدا که مفید این معنا است، چنین است:

علی و از پیامبر خدا نقل می‌کند که فرمود: «الْمُهْدِيُّ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ».^{۳۲}

ابوسعید خدری از پیامبر نقل می‌کند: «الْمُهْدِيُّ مِنِّي...».^{۳۳} ام سلمه از پیامبر خدا نقل

می‌کند که فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ عِزَّتِي مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ».^{۳۴}

چنان که می‌بینید، پیامبر خدا در احادیث یادشده، مهدی علیه السلام را از اهل بیت خود به شمار آورده‌اند، حال آن‌که مهدی علیه السلام نه تنها در آن زمان وجود نداشت، بلکه تا زمان تولد وی، حدود دویست و پنجاه سال باقی مانده بود.

همچنین دانشمندان تشیع و تسنن روایاتی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که بر طبق آن، پیامبر خدا تعداد جانشینان خود و خلفای امت اسلامی را دوازده تن معرفی کرده‌اند. حضرت برای آنان اوصافی بر شمرده‌اند که مجموع آن اوصاف، جز بر امامان دوازده گانه تشیع، بر کس دیگری قابل تطبیق نیست. نمونه‌ای از نقل‌های روایات مورد نظر چنین است: مسلم در صحیح خود از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

«لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ، أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ».^{۳۵}

«همواره دین خدا استوار و پایرجاست، تا آن‌که قیامت به پا شود، یا دوازده نفر خلیفه برای شما وجود داشته باشند که همگی آنان از قریش‌اند.»

حدیث فوق را بخاری از سه طریق^{۳۶} مسلم از هشت طریق،^{۳۷} ابوداود از دو طریق،^{۳۸} ترمذی از سه طریق،^{۳۹} و احمد بن حنبل از ۳۲ طریق^{۴۰} نقل کرده‌اند.

ویژگیهای امامان در حدیث:

مهم‌ترین ویژگیهای امامان در حدیث مورد نظر، عبارت‌اند از:

۱. عدد آنان دوازده نفر است. «... اثنا عشر خلیفه...».
 ۲. همگی آنان از قریش‌اند. «... کلهم من قریش...».
 ۳. این دوازده نفر خلفای کل امت‌اند، نه بخشی از امت.
- در حدیث جابر بن سمره آمده: «يَكُونُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً...»^{۴۱} در حدیث ابوجحیفه آمده: «لَا يَزَالُ أَمْرُ أُمَّتِي ضَالِحًا حَتَّى يَمُضِيَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ...».^{۴۲}
- در حدیث عبدالله بن مسعود آمده: «إِنَّهُ سَتَلُ كَمِ يَمْلِكُ هَذِهِ الْأُمَّةَ مِنْ خَلِيفَةٍ؟ قَالَ: اثْنَا عَشَرَ كَعْدَةَ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ».^{۴۳}

مسروق^{۴۴} می‌گوید: ما در کوفه، نزد عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و او به ما قرآن می‌آموخت. مردی از او پرسید: ای ابا عبدالرحمان، آیا شما [اصحاب پیامبر ﷺ] از آن حضرت پرسیدید که این امت چند نفر خلیفه خواهند داشت؟ عبدالله در پاسخ گفت: از هنگامی که به عراق آمده‌ام تو نخستین کسی هستی که از من چنین پرسشی می‌کنی. آنگاه افزود: آری، ما از پیامبر خدا ﷺ این سؤال را پرسیدیم و آن حضرت در پاسخ ما فرمود: دوازده تن خواهند بود، به تعداد نقبای بنی اسرائیل. چنانکه می‌بینید در همه روایات فوق، سخن از این است که این دوازده نفر، خلفای «امت» اند و واژه «امت» همه پیروان پیامبر خدا ﷺ را تا قیامت شامل می‌شود و به هیچ عنوان نمی‌توان واژه امت را به مسلمانان قرن اول یا دوم اختصاص داد.

۴. دوران خلافت اینان بلافاصله پس از پیامبر آغاز می‌شود «يَكُونُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا (خلیفه) كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ».^{۴۵}

وقتی به گذشته امت اسلامی می‌نگریم، در میان آنان، جز امامان دوازده گانه اهل بیت پیامبر ﷺ، گروهی را نمی‌یابیم که جمعیت آنان دوازده نفر باشد، همگی از قریش باشند، خلفای کل امت اسلامی باشند. برای آنان ادعای خلافت شده باشد و خلافت‌شان بلافاصله پس از پیامبر آغاز شده و جهان هیچگاه از وجود یکی از آنان خالی نباشد. دانشمندان اهل سنت در توجیه احادیث فوق کوشیده‌اند تا جمعی از حاکمان اموی و عباسی را گزینش نموده و به ضمیمه خلفای راشدین، دوازده نفر تعیین کرده و آنان را مصداق احادیث یادشده قرار دهند.

قاضی عیاض می‌گوید: خلفای دوازده گانه پیامبر خدا عبارتند از:

۱. ابوبکر ۲. عمر ۳. عثمان ۴. علی ۵. معاویه ۶. یزید ۷. عبدالملک مروان ۸. ولید بن عبدالملک ۹. سلیمان بن عبدالملک ۱۰. یزید بن عبدالملک ۱۱. هشام بن عبدالملک ۱۲. ولید بن یزید بن عبدالملک.^{۴۶}

سیوطی می‌نویسد: هشت تن از خلفای دوازده گانه پیامبر خدا ﷺ عبارت‌اند از: ۱. ابوبکر ۲. عمر ۳. عثمان ۴. علی ۵. حسن بن علی ۶. معاویه ۷. عبدالله بن زبیر ۸. عمر بن عبدالعزیز. وی آنگاه احتمال داده که دو نفر دیگر از خلفای دوازده گانه «المهتدی» و «الظاهر» از حاکمان عباسی باشند، چون این دو نفر به عقیده سیوطی افراد عادلانه بوده‌اند!

وی می‌افزاید: «و اما دو نفر دیگر باقی مانده‌اند که باید منتظر آنان بمانیم؛ یکی از آن دو، «مهدی» است که از اهل بیت پیامبر است.»^{۴۷}

و نفر دوم را مسکوت گذاشته و از وی نام نمی‌برد و بدینسان دانشمند پر معلوماتی مانند سیوطی، تنها توانسته به گمان خود، نام یازده نفر از خلفای دوازده گانه پیامبر خدا را آن هم بر اساس حدس و گمان مشخص کند و از تعیین نفر دوازدهم، عاجز مانده است.

اما این توجیهات، به دلایلی پذیرفته نیست؛ از جمله:

۱. خلفای راشدین نمی‌توانند مصداق احادیث فوق باشند، چون:

اولاً: عددشان کمتر از دوازده نفر است.

ثانیاً: خلفای کل امت نیستند؛ زیرا دوران خلافتشان حدود سی سال بیشتر ادامه نیافته است.

۲. حاکمان اموی نیز نمی‌توانند مصداق احادیث باشند، زیرا:

اولاً: عددشان بیشتر از دوازده نفر است.

ثانیاً: خلفای کل امت نیستند، بلکه دوران حکومت آنان در اوایل قرن دوم هجری (سال ۱۳۲ هـ.) پایان یافته است.

ثالثاً: اکثر قریب به اتفاق آنان افرادی فاسق و ستمگرند؛^{۴۸} و زندگی آنان هیچ شباهتی به زندگی پیامبر خدا نیست، تا بتوان آنان را جانشین پیامبر دانست. رابعاً: حکومتشان بلافاصله پس از پیامبر نبوده است.

۳. حاکمان عباسی نیز نمی‌توانند مصداق احادیث خلفای اثناعشر باشند؛ زیرا:

اولاً: عدد آنان بیش از دوازده نفر است.

ثانیاً: خلفای کل امت نبوده‌اند، بلکه حکومت آنان در سال ۱۳۲ هـ. آغاز شده و در اواسط قرن هفتم هجری با سقوط بغداد پایان یافته است.^{۴۹}

ثالثاً: اکثر قریب به اتفاق آنان افرادی ظالم، ستمگر و بی‌دین بوده‌اند،^{۵۰} و زندگی و عملکرد آنان هیچ شباهتی به زندگی و عملکرد پیامبر خدا نیست.

رابعاً: حکومت‌شان بلافاصله پس از پیامبر خدا نبوده است.

افزون بر مباحث گذشته، چنانکه دیدیم، اکثر کسانی را که دانشمندان اهل سنت به عنوان مصداق احادیث خلفای اثناعشر برگزیده‌اند، حاکمان اموی‌اند، و اینان کسانی هستند که

پیامبر خدا ﷺ آنان را مورد لعن و نفرین قرار داده است.^{۵۱} همچنین، حافظان اهل سنت از پیامبر ﷺ احادیث صحیحی نقل کرده‌اند که نشان می‌دهد، در هر عصری برای مردم آن عصر، امامی وجود دارد و مسلمانان وظیفه دارند آن امام را بشناسند و بیعت او را برگردن داشته باشند؛ و عظمت این امام به حدی است که هر کس بمیرد و او را نشناسد و در بیعت او قرار نداشته باشد، مرگش از نوع مرگ جاهلی است. در حدیثی از پیامبر آمده است:

«مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».^{۵۲}

هر کس بمیرد و بیعت امامی را برگردن نداشته باشد به مرگ جاهلیت مرده است.

و از آن حضرت نقل است که فرمود: «مَنْ مَاتَ بغيرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».^{۵۳}

و نیز فرمود: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً».^{۵۴}

نیز حافظان اهل سنت در احادیث دیگری از پیامبر نقل کرده‌اند که فرمود:

«لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ فِي قُرَيْشٍ مَا بَقِيَ مِنَ النَّاسِ اثْنَانِ».^{۵۵}

همواره امر خلافت در میان قریش است، تا آن گاه که دو نفر انسان در جهان باقی

باشد.^{۵۶}

احادیث دسته اول می‌گفت: در هر زمانی امامی وجود دارد که مردم وظیفه دارند او را بشناسند و در بیعت او قرار داشته باشند و حدیث دسته دوم می‌گفت: آن امام باید از تبار قریش باشد. براین اساس، امت اسلامی وظیفه دارند پس از پیامبر خدا ﷺ تا قیامت در هر زمانی، در بیعت امامی قرار داشته باشند که از تبار قریش و از دودمان پیامبر خدا ﷺ باشد.

حال آن‌که این معنا، به هیچ روی با توجیهات دانشمندان اهل سنت در مورد احادیث خلفای اثنا عشر سازگار نیست و امروز اهل سنت فاقد چنین خلیفه‌ای می‌باشند. حال آن‌که باید همواره از وجود چنین امام و خلیفه‌ای برخوردار باشند.

آری، مجموعه این احادیث مؤید دیدگاه دانشمندان شیعه امامیه در مورد امامان و خلفای دوازده گانه پیامبر خدا است. دانشمندان شیعه معتقدند مصداق احادیث خلفای اثنا عشر، امامان دوازده گانه‌ای هستند که همگی آنان از اهل بیت پیامبر خدا می‌باشند و خلافت آنان نیز

لزوماً به معنای حکومت ظاهری نیست، بلکه به معنای حق الهی و استحقاقی است که از جانب خدا و توسط پیامبر ﷺ به آنان اعطا شده است. نخستین فرد این سلسله علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین فرد آنان مهدی موعود علیه السلام است که از عمری غیر متعارف و طولانی برخوردار می باشد؛ چنانکه جهان هیچ گاه از وجود یکی از آنان خالی نبوده و نخواهد بود. تردیدی وجود ندارد که بشارت پیامبر خدا ﷺ به آمدن دوازده خلیفه پس از ایشان، یک سخن عادی نبوده، بلکه بشارتی الهی است که توسط پیامبر خدا ﷺ ابلاغ شده است. چرا که پیامبر شخصیتی است که هیچ گاه از پیش خود سخن نمی گوید و سخن او جز وحی الهی چیزی نیست.

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ...» آن هم در مورد موضوع مهمی مانند جانشینان خود و رهبران امت اسلامی.

حال که بشارت، بشارتی الهی است و بشارت دهنده پیامبر خدا است، باید مصادیق بشارت نیز الهی و از جانب خدا بوده و تعیین آنان توسط خدا و پیامبر صورت گیرد. معنا ندارد که بشارت پیامبر ﷺ بشارتی الهی باشد، بشارت دهنده پیامبر خدا باشد، اما تعیین مصادیق بشارت، آن هم درباره چنین مسأله مهمی، به عالمان دربار حاکمان اموی و عباسی سپرده شود تا آنان بر اساس ذوق و سلیقه و گرایش های فکری خود، در این باره تصمیم بگیرند و هر کسی عده ای را به عنوان مصداق این بشارت معرفی کند و حاصل انتخاب آنان این باشد که عده ای از عناصر شیطانی و اهریمنی از دودمان بنی امیه و بنی عباس به عنوان جانشینان پیامبر خدا تعیین و معرفی شود.

افزون بر مباحث گذشته، دانشمندان شیعه و شماری از دانشمندان اهل سنت، احادیثی از پیامبر خدا نقل کرده که به صراحت نشان می دهد همه امامان دوازده گانه، جزو اهل بیت پیامبرند. علاقه مندان می توانند این احادیث را در تفاسیر روایی شیعه؛ مانند نورالثقلین، تفسیر قمی و... در ذیل آیه تطهیر و آیه اولی الامر^{۵۷}، و یا در کتابهایی مانند کافی، کفایة الأثر، فراند السمطین، ینابیع الموده و... ملاحظه کنند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» احزاب: ۳۳؛ «خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند».
۲. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى».
۳. «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» نجم: ۳ و ۴.
۴. صحیح مسلم، کتاب فضائل صحابه ج ۳۶؛ سنن ترمذی ۵ / ۳۲۹. سلفیه؛ مستدرک حاکم ۱۴۸/۳؛ مسند احمد ۱۷/۳؛ معجم کبیر طبرانی ۱۹۰/۵ و ۲۰۵، چاپ عراق؛
۵. صحیح مسلم، کتاب فضائل صحابه، ج ۳۶؛ سنن ترمذی ج ۵، ص ۳۲۹؛ سلفیه؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۴۸؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷؛ معجم کبیر طبرانی، ج ۵، صص ۱۹۰ و ۲۰۵، چاپ عراق
۶. صحابی رسول خدا ابوذر از پیامبر ﷺ نقل کرده که فرمود: «مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ». مستدرک حاکم، ج ۲، ص ۳۴۳؛ مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۹، ص ۲۶۵، دارالفکر ۱۴۱۴ هـ؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج ۱۲، ص ۹۱؛ حلیه الاولیاء، ابونعیم، ج ۴، ص ۳۰۶؛ دارالمنثور، ج ۴، ص ۴۳۴.
۷. دیوان امام شافعی، جمع‌آوری از: محمد عبدالرحیم، ص ۳۳۴، دارالفکر.
۸. قاموس قرآن، سید علی اکبر قریشی، ج ۱، ص ۱۳۷.
۹. تهذیب تاریخ دمشق، ج ۴، صص ۲۰۸ و ۲۰۹؛ تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۲۵، ص ۲۰۹ چاپ سوم؛ فتح القدیر، شوکانی، ج ۴، ص ۲۰۸؛ دارالمعرفه؛ الجامع لأحكام القرآن، قرطبی، ج ۱۴، ص ۱۸۳ دار احیاء التراث العربی بیروت.
۱۰. تهذیب تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۴، ص ۲۰۹، دار احیاء التراث العربی بیروت.
۱۱. در المنثور سیوطی، ج ۶، ص ۶۰۲؛ الفکر؛ فتح القدیر شوکانی، ج ۴، ص ۲۷۸، دار المعرفه.
۱۲. معجم کبیر طبرانی، ج ۵، ص ۱۸۲، ج ۵۰۲۶؛ درالمنثور، ج ۶، ص ۶۰۵؛ فتح القدیر، ج ۴، ص ۲۸۰؛ قرطبی، ج ۴، ص ۱۸۳.
۱۳. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی ۳۳/۲، ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۵۰، ۳۰، ۲۷، ۲۶، ۲۸، ۲۹؛ تفسیر ابن کثیر ۴۹۳/۳، ۴۹۴، ۴۹۲؛ مستدرک حاکم ۱۵۰/۳، ۱۴۶، ۱۴۷؛ در المنثور ۶۰۵/۶، ۶۰۳، ۶۰۴؛ تفسیر طبری ۸/۲۲، ۷؛ تلخیص المستدرک ذهبی ۱۴۷/۳؛ سنن کبری، بیهقی ۶۳/۷؛ مشکل الآثار، طحاوی ۳۳۲/۱، ۳۳۴؛ مسند احمد ۱/۳۹۱ و ۴۵/۶ و ۱۷۷/۱۰ و ۱۹۷؛ صحیح مسلم، کتاب فضائل صحابه باب ۴؛ و کتاب فضائل، باب فضائل اهل بیت النبی ﷺ باب ۹؛ سنن ترمذی، کتاب مناقب باب ۲۱، و ۳۲؛ فرائد السمطین ۲۲/۲، ۱۸، ۱۵.
۱۴. آیه‌التطهیر فی احادیث الفريقین، سیدعلی موحد ابطحی، ج ۱ و ۲، ۱۴۰۴ هـ.
۱۵. جوامع الجامع، طبرسی، ص ۳۷۲.
۱۶. تفسیر جوامع الجامع، ص ۳۷۲.
۱۷. احزاب: ۳۳.

۱۸. پس از این، در این باره مباحث بیشتری بیان خواهیم داشت.
۱۹. ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...﴾. نحل: ۴۴
۲۰. ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ نجم: ۳ و ۴
۲۱. شواهد التنزیل ۳۴/۲، ۳۸، ۴۳، ۴۴، ۵۰؛ تفسیر ابن کثیر ۴۹۲/۳ و ۴۹۴؛ مستدرک حاکم ۱۴۶۳ و ۱۵۰؛ مشکل الآثار، طحاوی ۳۳۴/۱؛ تفسیر طبری ۷/۲۲ و ۸؛ مسند احمد ۱۷۷/۱۰؛ مصنف ابن ابی شیبہ ۳۷۰۶ کتاب فضائل باب ۱۸.
۲۲. همان.
۲۳. همان.
۲۴. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۸.
۲۵. اسامی آنان و منابعی که سخنان آنها در آن ثبت شده بیشتر در صفحه ۱۹۹ گذشت.
۲۶. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۴؛ درالمنثور، ج ۶، ص ۶۰۶
۲۷. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۴۹۲؛ شواهد التنزیل، ج ۲، صص ۱۸، ۲۱، ۲۲ و ۲۵
۲۸. درالمنثور، ج ۶، صص ۶۰۷ و ۶۰۶؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۴۹۲
۲۹. درالمنثور، ج ۶، ص ۶۰۶
۳۰. مفردات الفاظ القرآن، راغب، ص ۶۴، دارالکتب العلمیه، قم - ایران.
۳۱. در المنثور، سیوطی ۶۰۶/۶، دارالفکر بیروت ۱۴۰۳ هـ؛ مجمع الزوائد، هیثمی ۲۶۷/۹ دارالفکر، بیروت ۱۴۱۴ هـ.
۳۲. سنن ابن ماجه، کتاب الفتن باب ۳۴؛ مسند احمد ۸۴/۱؛ سنن ابی داود کتاب المهدی؛ مستدرک حاکم ۵۵۷/۴؛ درالمنثور ۵۸/۶
۳۳. سنن ابن ماجه، کتاب الفتن باب ۳۴؛ مسند احمد ۸۴/۱؛ سنن ابی داود کتاب المهدی؛ مستدرک حاکم ۵۵۷/۴؛ درالمنثور ۵۸/۶
۳۴. سنن ابن ماجه، کتاب الفتن باب ۳۴؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۸۴؛ سنن ابی داود کتاب المهدی؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷؛ درالمنثور، ج ۶، ص ۵۸
۳۵. صحیح مسلم کتاب اماره، باب ۱
۳۶. صحیح بخاری کتاب احکام، باب ۵۱؛ التاریخ الکبیر بخاری، ج ۳، ص ۱۸۵ و ج ۸، ص ۴۱۱ دارالفکر، بیروت.
۳۷. صحیح مسلم کتاب اماره باب ۱
۳۸. سنن ابی داود، کتاب المهدی.
۳۹. سنن ترمذی، کتاب الفتن، باب ۴۶
۴۰. مسند احمد، ج ۵، ص ۱۰۶، ذیل احادیث جابر بن سمره.
۴۱. مسند احمد ۱۰۶/۵؛ معجم کبیر طبرانی ۱۹۸/۲؛ کنز العمال ۳۳/۱۲ الرساله.
۴۲. مستدرک حاکم ۶۱۸/۳؛ مجمع الزوائد ۱۹۰/۵؛ قدیم؛ تاریخ بخاری ۴۱۱/۸؛ کنز العمال ج ۳۳/۱۴۹
۴۳. مسند احمد ۵۵/۲؛ مستدرک حاکم ۵۰۱/۴؛ مجمع الزوائد ۳۴۴/۵؛ فتح الباری ۲۱۱/۱۳؛ سلسله

- الصحيحه، البانی ۷۱۹/۲ و ۷۲۰
۴۴. وی از بزرگان تابعین است.
۴۵. سنن ترمذی، کتاب فتن باب ۴۶؛ معجم کبیر طبرانی ۲/۲۱۴، مسند احمد ۵/۹۹
۴۶. فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۱۴، دارالمعرفه.
۴۷. تاریخ الخلفاء، سیوطی ص ۱۰-۱۲، دار القلم بیروت ۱۴۰۶ هـ.
۴۸. الصواعق المحرقة، ص ۲۱۹ چاپ مصر.
۴۹. بخشی از آنان نیز تا قرن نهم ه در مصر حکومت داشته‌اند.
۵۰. ینابیع الموده، حنفی قندوزی، ج ۲، ص ۵۳۵
۵۱. فتح‌القدیر، ج ۳، ص ۲۴۰؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۵؛ مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۳۰۸ و، ج ۵، ص ۴۳۵؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۰، ص ۲۸۶
۵۲. صحیح مسلم، کتاب اماره، ح ۵۸؛ سنن بیهقی، ج ۸، ص ۱۵۶؛ سلسله‌الصحيحه البانی، ج ۲ ص ۷۱۵؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۹۶
۵۳. مسند ابی‌داود طیالسی ص ۲۵۹؛ مسند احمد ۳/۴۴۶؛ تاریخ بخاری ۶/۴۴۵
۵۴. شرح المقاصد نפתازانی ۵/۲۳۹
۵۵. صحیح مسلم، کتاب اماره باب ۱، صحیح بخاری ۴/۲۱۸ و ۷۸/۹، دارالجلیل بیروت.
۵۶. با این مضمون احادیث فراوان دیگری نیز وجود دارد.
۵۷. نساء: ۵۹

